

در نقد سیاست نظامی گری، نه جنگ نه صلح

تصویر جنگ همین است. در خاورمیانه برای جنگ و نظامی گری له له زدن، سرانجامی جز این تصویر ندارد. حساب کنید چندین شب است بسیاری از ما از اضطراب خوابیده ایم. چندین سال است شیخ جنگ بر ذهن و روانمان سایه افکنده.

اسرائیل هم نقطه زنی می‌کند و هم غیرنظامی را به خاک و خون می‌کشد اما ببینید تا چه مدت جمهوری اسلامی پز پراکسی های قدرتمند را می‌داد، اما در عرض چند روز کل ساختار فرماندهی حزب الله از بین می‌رود. برتری اسرائیل در این جنگ، تنها به خاطر ابزارهای نظامی اش نیست، مسأله به قدرت فن آوری و اطلاعاتی اش بر می‌گردد. در مقابل راکت و موشکهای کوری که حزب الله به صخره و ساختمان می‌زند، اسرائیل فرماندهان کوچک و بزرگ، سیاسی و نظامی را محو می‌کند.

حالا هدف من، تحلیل جنگ اسرائیل حزب الله لبنان نیست، نقد نظامی گری است. مدتها می‌گفتند موشک داریم غم نداریم. پز موشک و قدرتمند کردن پراکسیها را آنگونه می‌دادند که گویی ایران یک ابرقدرت شده. از رهبر جمهوری اسلامی تا اینهایی که تحت عنوان محور مقاومت، دخالت نظامیان را در هر امری توجیه کرده اند همه در این نقطه سخت شکست اند. شما موشک دارید؟ اسرائیل گنبد آهنین دارد. این چه قدرتی است که در عرض دو هفته کل ساختار فرماندهی اش نابود می‌شود و آنقدر نفوذ در آن ریشه دارد که صدها نفر با انهدام پیجر و بی سیم از کار می‌افتند؟ چه قدرتی است که توانایی حذف میهمانت را در قلب تهران دارند؟

نقطه کانونی نقد همینجاست: موشک، ساختن لشکر و ... همه اینها فرع بر بنای مولفه اساسی است: انسجام ملی که نه در یکدستی که در تکرر، نه در سرکوب که در آزادی شهروند محق مسوول به دست می‌آید. اگر به بمب و موشک بود چرا شوروی از هم گسیخت؟ از اینرو قدرت ملی برای محافظت از مام میهن در جنگل خاورمیانه نه با نظامی گری که با بنای ایران شهروند مدار، سکولار و دموکرات دست یافتنی است و قدرت نظامی تنها یک مولفه در میان چندین مولفه دیگر است.

سیاست «نه جنگ نه صلح» رهبر جمهوری اسلامی با تحمیل دیکتاتوری در داخل و با امنیتی کردن ایران در خارج، با میدان دادن به سپاه در همه امور چه دستاوردی جز تخریب و تحقیر داشته؟

وضعیت امروز، نتیجه بی توجهی به همان نقدی است که سالهاست گفته ایم؛ آنچه جمهوری اسلامی امنیت می‌نامد، سرابی بیش نیست. هم خودش شهروندان را نادیده می‌گیرد، آزار می‌دهد و هم کشور را در جنگل خاورمیانه آسیب پذیر کرده که نه بویی از توسعه دارد و نه چشم انداز پیشرفت. مگر می‌شود کشوری که سوژه تحریم و جنگ باشد رنگ توسعه را به خود ببیند؟ از نظامی گری نه امنیت می‌آید نه توسعه.

به عبارتی در «#نظامی_گری» هیچ خیری نیست. کشور قدرتمند، شهروند آزاد می‌خواهد. شهروند آزاد، جامعه مدنی ناظر، جامعه با نشاط، ضامن توسعه متوازن یک کشور است. مسأله اصلی در نفی جنگ، نظامی گری و تاکید بر توسعه متوازن و همه جانبه است. وقتی قدرت نرم افزاری و سخت افزاری داشته باشی، وقتی انسجام ملی در بستر تکرر داشته باشی، وقتی شور و امید ساختن یک جامعه دموکرات و با نشاط داشته باشی، وقتی توان جذب سرمایه داشته باشی، خانه تو در جنگل خاورمیانه هم امن می‌شود.

مجتبی نجفی

<https://t.me/darvishane49>